



i	پیشگفتار
iii	مقدمه
۱	فصل نخست: نسخه‌ای مغفول از کتابخانه بایسنغر
۲۸	فصل دوم: هویت کاتب
۴۷	فصل سوم: حافظ سعد کیست؟
۵۷	فصل چهارم: دیوان حافظ سعد
۸۷	فصل پنجم: سعد و بایسنغر
۹۹	برآمد سخن
۱۰۵	کتابنامه

پیشگفتار

آثاری که در کتابخانه و کارگاه شاهزاده تیموری بایسنغر سلطان (۷۹۹-۸۳۵ق.) کتابت و آراسته شده‌اند، در زمره بهترین نمونه‌های کتاب‌آرایی ایرانی به شمار می‌روند. یکی از این آثار نسخه‌ای است حاوی «کنوز الودیعہ من رموز الذریعہ الی مکارم الشریعہ» به همراه ترجمه «الفرج بعد الشدة و الضیقه» که در سال ۸۳۳ق. در هرات کتابت شده است. این نسخه با شماره ۹۳۷ کتابخانه ینی‌جامع که اکنون در مجتمع کتابخانه سلیمانیة استانبول نگهداری می‌شود، تا پیش از پژوهش نگارنده مورد مطالعه قرار نگرفته و هویت کاتب آن با نام «سعد مشهدی» نیز بررسی نشده بود. تنها دست‌نویس رقم‌دار دیگری که از این کاتب سلطنتی در دست داریم، «تاریخ جهانگشای جوینی» است که در سال ۸۳۴ق. برای بایسنغر کتابت شده است.

در تلاش برای درک درست هویت سعد مشهدی به فردی هم‌عصر او با نام «حافظ سعد» برمی‌خوریم که شاعری برجسته، معمانویسی توانا، و یکی از پیروان قاسم انوار بود. این کتاب پس از معرفی نسخه مغفول‌ینی‌جامع، به شناخت شخصیت تاریخی «سعد مشهدی» و «حافظ سعد» همت ورزیده، تلاش می‌کند با بررسی شواهد هنری، تاریخی و ادبی از معمای هویت آنها پرده بردارد.

تمامی بخش‌های برگرفته شده از متن اصلی نسخه‌های مورد بحث، بدون دخل و تصرف در شیوه نگارش کاتب آورده شده‌اند. نام کتابخانه توپکاپی سرای به صورت توپقاپو به کار رفته است که نزدیک‌ترین هم‌آوایی با واژگان مشابه در فارسی را دارد. «ة» در بیشتر موارد به صورت «ه» آمده (مانند الشریعه) مگر آنکه در تلفظ بر آن تاکید شده باشد (مانند زبدةالتواریخ). تشدیدها تنها در مواردی قید شده‌اند که به خوانش روان‌تر کمک کنند

جا دارد از همکاران گرانقدرم برای یاری‌شان در به ثمر رسیدن این کتاب قدردانی کنم. از دوست هنرمندم نسیم یزدانی برای اجرای طراحی کتاب بسیار سپاسگزارم. قدردان همکار ارجمند افروز رحیمی هستم که از سر لطف، طرح عطف نسخه ینی‌جامع را با دقت بازسازی کرد. از استاد گرامی‌ه مجید فداییان برای تصویر نسخه جنگ اشعار کتابخانه آستان قدس رضوی سپاسگزارم. از دوستان گرامی نایب شیرازی و سیامک دل‌زنده برای دقت‌نظرشان در خواندن پیش‌نویس این پژوهش و پیشنهادات سازنده‌شان تشکر می‌کنم. و در نهایت چاپ این کتاب مرهون همراهی ویراستار محترم سارا بهبهانی، ناظر چاپ ساناز رحیمی و زحمات دوست و همکار گرامی کیانوش معتقدی هستم.

مسئولیت تمامی کاستی‌های این کتاب تنها متوجه نویسنده است. از خواننده گرامی استعفا دارم از سر سخاوت هر گونه انتقادی را با نویسنده به اشتراک بگذارد و به دانش «این کمترین» بیفزاید.

شیوا میهن

لندن ۲۰۲۴

مقدمه

شکوفایی هنر ایران در دوران تیموریان شاید بیش از هر شاخه دیگری در عرصه نسخه‌پردازی نمود پیدا کرد. تیمور و جانشینانش میراث‌دار رشد علمی، ادبی و هنری سلسله‌های پیشین بودند. افزون بر بهره‌وری از حاصل فعالیت‌ها و دستاوردهای اینجویان، مظفریان و جلایریان در طول سده هفتم هجری قمری، اشتیاق شاهزادگان تیموری به برپایی کتابخانه‌های سلطنتی و حمایت‌شان از هنر و هنرمندان نیز به رونق کتابت و کتاب‌آرایی کمک فزاینده‌ای کرد.

شاهرخ پسر تیمور و جانشین او با انتقال پایتخت از سمرقند به هرات مرکز جدیدی برای گردآمدن ادبا و هنرمندان پدید آورد. به دستور او و به دلیل علاقه‌اش به نسخ تاریخی، کتابخانه و کارگاه کتابت وی عمده‌تأسیسات و تصویرگری صحنه‌های تاریخی می‌پرداخت. پسران شاهرخ و دیگر نوادگان تیمور در راه‌اندازی کتابخانه‌های سلطنتی خود و جذب هنرمندان، کاتبان و صاحبان فضل و ادب، گوی رقابت از هم می‌ربودند.

در ابتدای سده نهم هجری در کتابخانه‌های اسکندر سلطان پسر عمرشیک در شیراز و اصفهان نسخه‌هایی به غایت زیبا و مجلل به منصف ظهور رسیدند. پس از مرگ او، پسران شاهرخ با الگوبرداری از پسر عمویشان - و به ارث بردن کتابخانه، هنرمندان و دانشمندان دربار او - هر یک کارگاه و کتابخانه‌ای راه‌اندازی کرده، به تولید علم و ادب و هنر پرداختند. الغ بیگ در سمرقند، بایسنغر در هرات و ابراهیم در شیراز. در این میان نام بایسنغر سلطان به عنوان حامی هنر بیش از سایر شاهزادگان تیموری و شاید بیش از هر پشتیبان سلطنتی دیگری در طول تاریخ هنر ایران می‌درخشد.

بایسنغر که از نوجوانی به امیری رسید و از حدود ۱۷ سالگی مسؤولیت نظارت و امارت چندین شهر بزرگ را بر عهده داشت، کتابخانه و کارگاه خود را در عمارتش در باغ سفید هرات دایر کرد. تاریخ تاسیس این تشکیلات مهم هنری را تنها می‌توان بر اساس نسخه‌های رقم‌دار کارگاهش گمانه‌زنی کرد. نخستین دست‌نویسی که نسبت بایسنگری در نام کاتب آن دیده می‌شود، «خسرو و شیرین» نظامی است (B-132، مؤسسه شرق‌شناسی، سنت پترزبورگ) که در سال ۸۲۴ ق. به قلم کلانتر کتابخانه، جعفر تبریزی کتابت شده است (تصویر ۱). اما آغاز فعالیت کارگاه می‌بایست به قبل از اعطای لقب سلطنتی به کاتب خاصه شاهزاده بازگردد.

پیش از خسرو و شیرین، دو نسخه کمتر شناخته شده، کتابت و نگارگری شدند که شوربختانه نام حامی و سفارش‌دهنده بر خود ندارند. هر دو نسخه دربردارنده خمسه، اثر برجسته نظامی گنجوی هستند که یکی به قلم جعفر الحافظ (Or. 12087، کتابخانه بریتانیا، لندن) و دیگری به دست معروف بن عبدالله بغدادی (Or. 13802، کتابخانه بریتانیا) به ترتیب در سال‌های ۸۲۳ ق. و ۸۲۴ ق. در هرات کتابت شده‌اند (تصویر ۲ و ۳).^۱ با توجه به علاقه وافر بایسنغر به شعر و ادب فارسی و ارادت قلبی وی به خمسه نظامی - که هم از تعداد رونوشت‌هایی که در کارگاهش کتاب‌آرایی شده‌اند هویداست و هم در تذکره‌ها از سفارش خمسه نظامی به معروف بغدادی یاد شده است - می‌توان چنین استنباط کرد که این دو نسخه برای شاهزاده جوان کتابت شده بودند. با توجه به حجم این دو خمسه، می‌توان نتیجه گرفت که کتابت آنها دست‌کم حدود یکسال پیش‌تر آغاز شده بوده و به احتمال بسیار این کتابخانه حداقل از حدود ۸۲۲ ق. دایر و مشغول به کار بوده است.

۱ نسخه Or. 13802 خمسه نظامی به خط معروف بغدادی را در متن و خمسه امیر خسرو دهلوی و دهنامه ابن عماد را به خط کاتبی دیگر در حاشیه دارد. کتابت متن در سال ۸۲۴ ق. و کتابت حواشی در تاریخ ۸۳۸ ق. به پایان رسیده است.

در مدت پانزده سال فعالیت کتابخانه زیر نظر جعفر و خود شاهزاده، بیش از سی نسخه خطی ارزشمند کتابت و آراسته شدند. می‌توان گفت که اوج بازدهی کارگاه بایسنغر سال ۸۳۳ق. بوده است. در این سال علاوه بر نسخه‌های شاخص و نفیسی چون شاهنامه بایسنگری (نسخه ۷۱۶، گنجینه نسخ خطی کاخ گلستان)، شاهنامه و خمسه (نسخه ۶۰۳۱، کتابخانه ملی ملک)، کلیله و دمنه (R. 1022، کتابخانه تویقاپو سرای) و ترجمه تاریخ طبری (PNS 49، کتابخانه ملی روسیه)، نسخه کمتر شناخته‌شده‌ای نیز استنساخ شد که در این کتاب به آن می‌پردازم.

درباره کاتب این نسخه مغفول با رقم سعد مشهدی در تذکره‌ها و دیگر منابع مطلبی یافت نمی‌شود، اما در «عرضه داشت» جعفر بایسنگری گزارشی قابل توجه وجود دارد که شناخت بیشتری از سعد به دست می‌دهد. کاوش در هویت کاتب، ما را به شاعری با نام «حافظ سعد» رهنمون می‌کند که در دیوان اشعارش اشاراتی مبتنی بر ارتباط وی با دربار بایسنغر نیز مشاهده می‌شود.

دیوان حافظ سعد دست‌کم موضوع پژوهش دو مقاله و دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد بوده که عمدتاً به تصحیح، و اشاره به مشابهت‌های ادبی و اقتباس شاعر از قدما یا معاصرانش پرداخته‌اند.^۲ در تصحیح دیوان او که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است، نه تنها اطلاعات بیشتری از خود شاعر ارائه نشده، بلکه نسخه دیگر اثر نیز در تصحیح لحاظ نشده است.^۳ کتاب پیش رو با نگاهی دقیق‌تر به دیوان اشعار حافظ سعد تلاش می‌کند نور تازه‌ای به شخصیت و زندگی حرفه‌ای شاعر بازتاباند.

۲ مقالات: صداقت حسینی، «حافظ سعد تبریزی»، پیام بهارستان، شماره ۱۹ (تهران، ۱۳۹۲): ۱۶۱-۱۷۸. حاج احمدی پور رفسنجانی، «تأثیر شعر شاعر بر اشعار جلال‌الدین حافظ سعد تبریزی»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۴، شماره ۲۷ (۱۳۹۲): ۳۶۹-۳۹۲.

پایان‌نامه‌ها: حاج احمدی پور رفسنجانی، «تصحیح و تحقیق در دیوان سعد حافظ تبریزی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان، ۱۳۸۸). رجبی صیغری، «مقدمه، تصحیح و تعلیق بر نسخه خطی دیوان جلال‌الدین سعدالله تبریزی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۳).
به این نسخه در مقاله‌ای درباره نسخه‌های پیر بوداق اشاره شده است. ندولو، «پیر بوداق حامی هنر و کتاب‌آرایی عصر قراقویونلو»، پیکره، دوره ۱۳، شماره ۳۶ (۱۴۰۳): ۴۱-۵۹.

۳ رجبی صیغری، دیوان حافظ سعد تبریزی (تهران، ۱۳۹۸). این کتاب بر اساس پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصحح چاپ شده است.